



# خاطره‌ی من از ذكاء الملك فروغی

یوسف بهنیا

قاضی بازنشسته‌ی دادگستری

ایران و بدون مداخله در امور داخلی ملزم بودند که حداکثر تا شش ماه پس از خاتمه‌ی جنگ تمامی خاک ایران را تخلیه نمایند؛ ثانیاً وجوه بهره‌برداری از راه‌آهن و راه‌های خاکی و هوایی و استفاده از ساختمان‌ها و بهای خواربار و مایحتاج نیروهای خود را تأدیه نمایند.

مرحوم فروغی تمامی نامالیقات و حمله‌ها و اهانت‌ها را بزرگوارانه تحمل می‌نمودند تا این که به نظرم آخرین جلسه‌ی رسیدگی به لایحه بود که نخست‌وزیر پشت تریبون به دفاع از قرارداد می‌پرداخت که ناگهان یک نفر به نام آقای روشن در جایگاه تماشاچیان که نزد ما نشسته بود، بلند شد و سنگی به طرف ایشان پرتاب کرد که یک دفعه نظم به هم خورد و هیاهو و قیل و قال بلند شد، ولی مرحوم فروغی بدون کوچک‌ترین تزلزلی در اراده‌ی مردانه خود با صدای رسا که در صحن مجلس طنین انداخت این جملات را ادا فرمود: «آقایان! چیزی نشده، جمله‌ی معترضه‌ی بود».

مجلس آرام شد، ایشان به مدافعات ادامه داد که همین حادثه توأم با حسن تدبیر ایشان موجب شد که نمایندگان با اکثریت قریب به اتفاق قانون را تصویب کردند و شخص ضارب به نام آقای روشن که دستگیر شده بود، به دستور ایشان آزاد و از تعقیب مصون گردید.

مدت خیلی نگذشته بود که فروغی استعفا داد و به سمت سفیر کبیر ایران در امریکا منصوب گردید، درینجا که اجل مهلت نداد و قبل از عزیمت به صوب مأموریت ارتحال نمودند.

آن روز، بازار و ادارات تعطیل گردید. ما هم در مراسم بی‌نظیر تشییع که پیکر پاک ایشان از مسجد سپهسالار تا سرچشمه بر دوش ارادتمندان شان حمل گردید، شرکت نمودیم.

در این جا ذکر این نکته بی‌مناسبت نیست که نتیجه‌ی سعه‌ی صدر و فداکاری آن رجل بزرگوار در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ وسیله‌ی زنده‌یاد قوام‌السلطنه پیر خردمند و نخست‌وزیر کاردان و وطن‌دوست و شجاع به ثمر رسید که همانا تخلیه‌ی تمامی خاک ایران و رهایی آذربایجان عزیز بود.

روان هر دو دستور خردمند شاد.



## یادداشت سردبیر

پنجم آذر، سالگرد درگذشت محمدعلی فروغی ملقب به ذكاء الملك است. فروغی، اولین و آخرین نخست‌وزیر رضاشاه پهلوی و در عالم سیاست و ادب یکی از تأثیرگذارترین دولتمردان ایران در قرن اخیر بود. نقد احوال و خدمات سیاسی و فرهنگی او مستلزم یک کتاب مستقل است. اکنون خاطره‌ی از این دستور خردمند را از قلم یکی از پیش‌کسوتان قضایی بخوانید.

□ در شماره‌ی آبان ۸۴ مجله‌ی وزین حافظ خاطره‌ی از مرحوم محمدعلی فروغی به قلم جناب دکتر سعید فاطمی (خواهرزاده‌ی مرحوم دکتر حسین فاطمی) درج گردیده بود. نظر به اینکه من هم شاهد عینی یک خاطره از بزرگواری و سعه‌ی صدر مرحوم فروغی بوده‌ام، دریغم آمد که بازگو نکنم:

دی‌ماه ۱۳۲۰ لایحه‌ی قرارداد ایران با روس و انگلیس در مجلس شورای ملی تحت رسیدگی بود و آن وقت من که دانشجوی حقوق بودم، اغلب اوقات با هم‌کلاسانم در لژ تماشاچیان مجلس حضور می‌یافتم. آن روزها که نسیم آزادی به تازگی وزیدن گرفته

بود، اغلب روزنامه‌های نوپا مقالاتی تند بر ضد قرارداد منتشر می‌کردند و حتا مرحوم فروغی را به خیانت به وطن متهم می‌نمودند. برنامه‌های رادیو آلمان به زبان فارسی نیز ایرانیان را به شدت تحریک به عصیان و مخالفت با دولت می‌کردند و یک عده از جوانان وطن‌دوست و نازآمده که از فلسفه‌ی انعقاد قرارداد چیزی درک نمی‌کردند، به حکم ضرورت طبع جوانی، احساسات را بر عقل برتری داده و آن پیر خردمند را به باد اهانت می‌گرفتند. بعضی از نمایندگان هم که تا چند ماه پیش گوش به فرمان بودند حالا از بند رسته و با خطابه‌های زهرآگین و عوام‌پسند آن قرارداد را از قرارداد وثوق‌الدوله هم بدتر می‌شمردند و حال آن که اولاً متفقین با این قرارداد به تضمین استقلال و تمامیت ارضی